

# أهل البيت عليهم السلام فرائر از آفاق

گروه پژوهش معارف

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْتَبِرَ عَقْلَ الرَّجُلِ فِي مَجْلِسٍ  
وَاحِدٍ فَحَدِّثْهُ فِي خِلَالِ حَدِيثِكَ بِمَا لَا يَكُونُ  
فَإِنْ أَنْكَرَهُ فَهُوَ عَاقِلٌ وَإِنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ أَحْمَقُ.

(الإختصاص، ص ۲۴۵)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرگاه خواستی عقل کسی را در یک نشست بیازمایی، در  
میان سخن خود آنچه را شدنی نیست بیاور. اگر منکر آن  
شد، عاقل است و اگر تصدیق کرد، احمق است.

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

بعد از آنکه چندی قبل نوشتار ناصوابی را عده‌ای از طلاب عزیز در مقام نقد و پرسش ارائه دادند و پاسخ صحیح آن را دریافت کردند، برخی از فضلا قطعه فیلمی را نشان دادند که در آن آمده بود:

" فرمود: **لكم في رسول الله اسوة حسنة**، امروز مبعوث شد. اسوه است. باسم الله. اسوه یعنی تو می‌تونی عین این بشی؛ نه یک ذره کم نه زیاد، فقط مقام نبوت و رسالت را تو نمی‌تونی داشته باشی، بقیه‌اش را عین رسول الله ﷺ می‌تونی بشی. خودشون اینها را فرمودند...<sup>۱</sup>"

اکنون ببینیم آیا قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ و معصومین عليهم السلام اینها را فرمودند یا مطلب دیگری فرمودند؟!

## معنای اسوة

ابتدا ببینیم اسوة یعنی چی؟

در *مفردات* می‌گوید:

الْأُسْوَةُ وَالْأُسْوَةُ كَالْقُدْوَةِ وَالْقُدْوَةُ، وَ هِيَ الْحَالَةُ الَّتِي يَكُونُ الْإِنْسَانُ عَلَيْهَا فِي اتِّبَاعِ غَيْرِهِ إِنْ حَسَنًا وَ إِنْ قَبِيحًا، وَ إِنْ سَارًا وَ إِنْ ضَارًّا، وَ لِهَذَا قَالَ تَعَالَى: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، فَوْصَفَهَا بِالْحَسَنَةِ، وَ يُقَالُ: تَأَسَّيْتُ بِهِ، وَ الْأُسَى: الْحُزْنُ. وَ حَقِيقَتُهُ: إِتْبَاعُ الْفَائِتِ بِالْغَمِّ، يُقَالُ: أُسَيْتُ عَلَيْهِ وَ أُسَيْتُ لَهُ، قَالَ تَعَالَى: فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.<sup>۲</sup>

أُسْوَةٌ وَ إِسْوَةٌ بِرِوْزِ قُدْوَةٍ وَ قُدْوَةٍ، حَالَتِي اسْتِ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ مِنْ دِيْغَرِي تَبَعِيَّتِ وَ بِيْرُوِي مِي كَنْد؛ چَه در نیکی و بدی و چه در شادمانی و ناراحتی. و به همین معناست قول خداوند متعال که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ

۱. تنمة كليب چنین است:

شما مگه نمی‌خونید هی ده‌ها بار، رفقامون رو هم گفتم، ما هی می‌گییم «ایاک جمیع خیر دنیا و جمیع خیر الآخرة» چی چی باقی مونده؟ جمیع خیر یعنی چی؟ گفت که: یا من ارجوه کل خیر. همه چیز برمی‌گردد به خدا، اینجا هم جمیع خیر را می‌خواد، یعنی چه؟ یعنی خودت رو می‌خواد خدا.

۲. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۶.

لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴿﴾ پس خداوند متعال «اسوه» را به صفت «حسنه» توصیف کرده است. و گفته می‌شود «تَأْتِيْتُ بِهِ» - یعنی به او تأسی جستم - و «الْأَسَى» یعنی حزن و اندوه، و حقیقتش اندوهگین شدن به دنبال چیزی که از دست رفته است. و گفته می‌شود «أَسَيْتُ عَلَيْهِ وَأَسَيْتُ لَهُ» - یعنی بر او یا برای او غمگین شدم - خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بر گروه کافران غم مخور﴾.

در صحاح اللغة می‌گوید:

و لى فى فلان إِسْوَةٌ و أُسْوَةٌ، أى قُدْوَةٌ و ائْتِمَامٌ.<sup>۳</sup>

برای من در فلانی اسوه و اسوه است؛ یعنی پیروی و تبعیت کردن.

در معجم مقاییس اللغة می‌گوید:

لى فى فلان أُسْوَةٌ أى قُدْوَةٌ، أى اِنِّى اَقْتَدَى بِهِ.<sup>۴</sup>

برای من در فلانی اسوه است؛ یعنی پیروی کردن؛ یعنی من به او اقتداء می‌کنم.

و در سایر کتاب‌های لغت نیز همین معنا را ذکر کرده‌اند. بنابراین وقتی کسی اسوه شد، یعنی امام و الگو است و باید تلاش کرد مثل او شد، اما اینکه مخاطب می‌تواند عین الگو بشود نه یک ذره کم نه زیاد، این از لفظ اسوه استفاده نمی‌شود.

در نامه مشهور امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

...أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدَى بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ.<sup>۵</sup>

آگاه باش که برای هر تبعیت‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که به او اقتداء کرده است و به نور علم او روشنایی می‌جوید. و آگاه باش که پیشوای شما از دنیای خود به دو لباس کهنه و از غذای خود به دو قرص نان اکتفاء کرده است، بدان که همانا شما قادر بر تبعیت در آن نیستید، منتها مرا با پرهیزکاری، کوشش، پاکدامنی و درستکاری یاری کنید.

در این عبارت دقت بفرمایید، در عین اینکه حضرت می‌فرمایند من امام شما هستم و شما باید من را

۳. الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۶۸.

۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵. نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۱۷.

معیار قرار دهید و تلاش نمایید مثل من شوید، اما می‌فرماید نمی‌توانید در همه ابعاد مثل من شوید. پس اسوه بودن به این معنا نیست که شخص متأسی می‌تواند عین اسوه باشد و این از واضحات است. و اکنون ببینیم آیا به حسب کتاب و سنت می‌تواند کسی در مرتبه و درجه، عین اهل بیت علیهم‌السلام شود:

## درجات متفاوت در دنیا و آخرت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ الْكِبْرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾<sup>۶</sup>

بین چگونه بعضی را (در نعمت‌های مادی و معنوی) برتری داده‌ایم و در آخرت درجات و برتری‌ها بزرگ‌تر و مفضل‌تر است.

و نیز خداوند عزوجل در دو مورد می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا﴾<sup>۷</sup>

برای هر یک درجاتی است به خاطر آنچه انجام داده‌اند.

و نیز می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۸</sup>

(هرگز) مومنانی را که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترك‌کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده و خداوند به هر يك از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان) وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. و آیات متعدد دیگری که درجات و مراتب انبیاء و اولیاء و سایر مردم از آن استفاده می‌شود.

و در تفسیر عیاشی آمده است:

۶. سوره مبارکه اسراء، آیه ۲۱.

۷. سوره مبارکه أنعام، آیه ۱۳۲.

۸. سوره مبارکه نساء، آیه ۹۵.

لا نقول درجة واحدة إن الله يقول: درجات بعضها فوق بعض إنما تفاضل القوم بالأعمال.<sup>۹</sup>

نمی‌گوییم همه یک درجه دارند، خداوند می‌فرماید: درجاتی که بعضی آنها برتر از بعضی دیگر است. همانا برتری مردم به اعمال آنهاست.

پس قطعاً در آخرت برای انبیاء و اولیاء و سایر مردم، درجات متفاوت وجود دارد، هرچند همه نیکان در جوار پروردگار عالم می‌باشند، حتی در مورد خود اهل بیت و ائمه علیهم‌السلام در قرب الاسناد به سند صحیح از امام باقر علیه‌السلام آمده است:

«لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَ أَنَّهُ يَجْرِي لِآخِرِهِمْ مَا يَجْرِي لِأَوَّلِهِمْ فِي الْحُجَّةِ وَالطَّاعَةِ وَالْحَرَامِ وَالْحَلَالِ سَوَاءً، وَلِمُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَضْلُهُمَا...»<sup>۱۰</sup>

ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر اینکه بداند جاری است برای آخرین امام آنچه برای اولین امام جاری بوده از نظر حجت و اطاعت و حلال و حرام و در این جهت مساوی هستند، اما محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام دارای فضیلت مخصوص خود هستند ...

این مضمون یا قریب به آن در روایات متعدد آمده است؛ مثلاً در کافی و تهذیب آمده است:

«...أَوْلَانَا وَ آخِرُنَا فِي الْعِلْمِ سَوَاءً وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضْلُهُمَا»<sup>۱۱</sup>

۹. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸:

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال لا نقول درجة واحدة ... مضمون آیات در حدیث آمده است.

۱۰. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، ص ۳۵۱:

فَكُتِبَ: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَ أَنَّهُ يَجْرِي لِآخِرِهِمْ مَا يَجْرِي لِأَوَّلِهِمْ فِي الْحُجَّةِ وَالطَّاعَةِ وَالْحَرَامِ وَالْحَلَالِ سَوَاءً، وَ لِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَضْلُهُمَا. وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ يَعْرِفُهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»

۱۱. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۷، ص ۸۵:

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدِ النَّخَعِيِّ قَالَ سَأَلَ الْفَهْمَكِيُّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَ مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمَسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَ يَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام: إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نَفَقَةٌ وَ لَا عَلَيْهَا مَعْقَلَةٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ كَانَ قِيلَ لِي إِنَّ ابْنَ أَبِي الْعُوْجَاءِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَأَجَابَهُ بِهَذَا الْجَوَابِ فَأَقْبَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَيَّ فَقَالَ نَعَمْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ مَسْأَلَةُ ابْنِ أَبِي الْعُوْجَاءِ وَ الْجَوَابُ مِنَّا وَاحِدٌ إِذَا كَانَ مَعْنَى الْمَسْأَلَةِ وَاحِدًا جَرَى لِآخِرِنَا مَا جَرَى لِأَوَّلِنَا وَ أَوْلَانَا وَ آخِرُنَا فِي الْعِلْمِ سَوَاءً وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضْلُهُمَا.

✓ تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۹، ص ۲۷۴:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدِ النَّخَعِيِّ قَالَ سَأَلَ الْفَهْمَكِيُّ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمَسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَ يَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام: إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَ لَا نَفَقَةٌ وَ لَا عَلَيْهَا مَعْقَلَةٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ كَانَ قِيلَ لِي إِنَّ ابْنَ أَبِي الْعُوْجَاءِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَأَجَابَهُ بِهَذَا الْجَوَابِ فَأَقْبَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام



می‌کرد، می‌فرمود: چه کسی است که طاقت این را داشته باشد، چه کسی است که طاقت این را داشته باشد. فرمود: سپس به آن عمل می‌کرد. و حضرت هرگاه برای نماز پیا می‌خواست، رنگش دگرگون می‌شد تا اینکه اثرش در چهره حضرت نمایان می‌شد. و هیچ کسی از فرزندان علی علیه السلام طاقت عمل حضرت را نداشت مگر علی بن الحسین علیه السلام.

و در روایت معتبر دیگر به این تعبیر آمده است:

«...وَإِنْ كَانَ أَقْرَبُ النَّاسِ شَبَهَا بِهٍ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام...»<sup>۱۵</sup>

[هیچ کسی از مردم طاقت عمل علی علیه السلام را نداشت] گرچه شبیه‌ترین مردم به حضرت در عمل، علی بن

الحسین علیه السلام بود.

و چگونه با وجود اینکه «لَضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ ضربت علی علیه السلام در روز خندق، برتر از عبادت جن و انس است»<sup>۱۶</sup> باز کسی عیناً هم رتبه حضرت باشد.

این از نظر عمل و درجات مترتب بر عمل، در دنیا و آخرت.

### برتری مطلق طینت اهل بیت علیهم السلام نسبت به طینت دیگران

اما از حیث مبدأ و طینت، آیا طینت دیگری امکان برابری با طینت رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را

دارد؟

در بصائر الدرجات آمده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وَ عِترته مِنْ طِينَةِ الْعَرْشِ فَلَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ وَاحِدٌ وَ لَا يَزِيدُ مِنْهُمْ وَاحِدٌ.<sup>۱۷</sup>

۱۵. الأُمالي (لِلصَّدُوقِ)، ص ۲۸۱:

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنْ كَانَ عَلِيُّ علیه السلام لِيَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ إِنْ كَانَ لِيَشْتَرِيَ الْقَمِيصَيْنِ السُّنْبُلَيْنَيْنِ فَيُحَيِّرُ غُلَامَهُ حَيَّرَهُمَا ثُمَّ يَلْبَسُ الْأَخْرَ فَإِذَا جَارَ أَصَابِعُهُ قَطَعَهُ وَ إِذَا جَارَ كَعْبُهُ حَدَفَهُ وَ لَقَدْ وَلِي حُمْسَ سِنِينَ مَا وَصَعَ آجُرَةٌ عَلَى آجُرَةٍ وَ لَا لَبِنَةٌ عَلَى لَبِنَةٍ وَ لَا أَطْفَعُ قَطِيعاً وَ لَا أَوْرَثَ بَيْضَاءَ وَ لَا حَفْرَاءَ وَ إِنْ كَانَ لِيُطْعِمُ النَّاسَ خُبْزَ الْبُرِّ وَ اللَّحْمَ وَ يَنْصُرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ يَأْكُلُ خُبْزَ الشَّعِيرِ وَ الزَّيْتِ وَ الْحَلِّ وَ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ كِلَاهُمَا لِلَّهِ رَضَى إِلَّا أَحَدٌ بِأَشَدِّهِمَا عَلَى بَدَنِهِ وَ لَقَدْ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ تَرَبَّتْ فِيهِ يَدَاهُ وَ عَرِقَ فِيهِ وَجْهُهُ وَ مَا أَطَاقَ عَمَلَهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ وَ إِنْ كَانَ لِيُصَلِّيَ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ وَ إِنْ كَانَ أَقْرَبُ النَّاسِ شَبَهَا بِهٍ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ مَا أَطَاقَ عَمَلَهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ بَعْدَهُ.

۱۶. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۴۵۶.

۱۷. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۱۷:



همانا خداوند عزوجل محمد ﷺ و عترت ایشان را از طینت عرش خلق کرد، پس کسی از آنها کم نمی‌شود و کسی بر آنها اضافه نمی‌شود.

در کافی و بصائر الدرجات آمده است:

«... ثُمَّ صَوَّرَ خَلْقَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ فَأَسْكَنَ ذَلِكَ النُّورَ فِيهِ فَكُنَّا نَحْنُ خُلُقْنَا نُورَانِيَيْنَ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقْنَا مِنْهُ نَصِيْبًا وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شَيْعَتِنَا مِنْ أَيْدَانِنَا وَ أَيْدَانَهُمْ مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ الطِّينَةِ...»<sup>۱۸</sup>

سپس خداوند متعال خلقت ما را مجسم کرد از طینتی که مخزون و نهفته در زیر عرش بود و آن نور را در این کالبد نهاد و ما خلقی نورانی شدیم که خداوند نصیبی برای کسی در مثل آنچه که ما از آن خلق شدیم قرار نداده است. و خداوند ارواح شیعیان ما را از ابدان ما آفرید و پیکر آنها را از سرشتی مخزون و نهفته در رتبه پائین تر از آن طینتی [که روحشان را از آن آفریده بود] آفرید.

و در بصائر الدرجات از امام سجاد علیه السلام آمده است:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ طِينَةٍ عَلِيَّيْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَنَا مِنْ طِينَةٍ فَوْقِ عَلِيَّيْنِ وَ خَلَقَ شَيْعَتَنَا مِنْ طِينَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَ خَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةٍ عَلِيَّيْنِ فَصَارَتْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا ...<sup>۱۹</sup>

---

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا عليه السلام ...

۱۸. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۲۰:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ الرَّغْفَرَانِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ خَلَقْنَا اللَّهُ مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ ثُمَّ صَوَّرَ خَلْقَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ فَأَسْكَنَ ذَلِكَ النُّورَ فِيهِ فَكُنَّا نَحْنُ خُلُقْنَا نُورَانِيَيْنَ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقْنَا مِنْهُ نَصِيْبًا وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شَيْعَتِنَا مِنْ أَيْدَانِنَا وَ أَيْدَانَهُمْ مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ الطِّينَةِ وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ ذَلِكَ الَّذِي خَلَقَهُمْ مِنْهُ نَصِيْبًا إِلَّا الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَلِذَلِكَ صِرْنَا نَحْنُ وَ هُمْ النَّاسُ وَ صَارَ سَائِرُ النَّاسِ هَجْمًا [هَمَجًا] فِي النَّارِ وَ إِلَى النَّارِ.

✓ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۸۹:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ عُبَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ الرَّغْفَرَانِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ ثُمَّ صَوَّرَ خَلْقَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ فَأَسْكَنَ ذَلِكَ النُّورَ فِيهِ فَكُنَّا نَحْنُ خُلُقْنَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ ثُمَّ صَوَّرَ خَلْقَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ فَأَسْكَنَ ذَلِكَ النُّورَ فِيهِ فَكُنَّا نَحْنُ خُلُقْنَا نُورَانِيَيْنَ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقْنَا مِنْهُ نَصِيْبًا وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شَيْعَتِنَا مِنْ طِينَتِنَا وَ أَيْدَانَهُمْ مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكْنُونَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ الطِّينَةِ وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقَهُمْ مِنْهُ نَصِيْبًا إِلَّا لِلْأَنْبِيَاءِ وَ لِذَلِكَ صِرْنَا نَحْنُ وَ هُمْ النَّاسُ وَ صَارَ سَائِرُ النَّاسِ هَجْمًا - لِلنَّارِ وَ إِلَى النَّارِ.

۱۹. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۲۴:

وَ عَنْهُ [احمد بن جعفر] عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو الْحَلْبِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ طِينَةٍ عَلِيَّيْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَنَا مِنْ طِينَةٍ فَوْقِ عَلِيَّيْنِ وَ خَلَقَ شَيْعَتَنَا مِنْ طِينَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَ خَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةٍ عَلِيَّيْنِ فَصَارَتْ قُلُوبُهُمْ

همانا خداوند ما را از طینت علیین خلق کرد و قلوب ما را از طینت فوق علیین خلق کرد و شیعیان ما را از طینتی که پایین تر از آن بود خلق کرد و قلوب آنها را از طینت علیین خلق کرد، [به همین خاطر] قلوب آنها اشتیاق به ما دارد.

و در روایت ابی بکر الحضرمی از امام سجاد علیه السلام آمده است:

«...إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنْ طِينَةِ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ.»<sup>۲۰</sup>

همانا خداوند ما را از سرشت علیین خلق کرد و شیعیان ما را از طینتی که پایین تر از آن بود خلق کرد.

و از امام صادق علیه السلام در روایت الفضل بن عیسی الهاشمی آمده است:

«...إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ طِينَتَنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ طِينَةَ شِيعَتِنَا مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَهُمْ مِنَّا...»<sup>۲۱</sup>

همانا خداوند طینت ما را از علیین خلق کرد و طینت شیعیان ما را از طینتی پایین تر از آن خلق کرد، پس آنها از ما هستند.

و در روایت جابر الجعفی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«... خُلِقْنَا نَحْنُ وَ مُحِبِّينَا مِنْ طِينَةِ وَاحِدَةٍ بَيْضَاءَ نَقِيَّةٍ مِنْ أَعْلَى عَلِيِّينَ فَخُلِقْنَا نَحْنُ مِنْ أَعْلَاهَا وَ

خُلِقَ مُحِبُّونَا مِنْ دُونِهَا...»<sup>۲۲</sup>

---

تَجُنُّ إِلَيْنَا لِأَنَّهَا مِنَّا وَ خَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ طِينَةِ سَجِّينٍ وَ خَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةِ أَسْفَلَ مِنْ سَجِّينٍ وَ إِنَّ اللَّهَ رَادُّ كُلِّ طِينَةٍ إِلَى مَعْدِنِهَا فَزَادَهُمْ إِلَى عَلِيِّينَ وَ زَادَهُمْ إِلَى سَجِّينٍ.

۲۰. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۱۸:

وَ عَنْهُ [عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمٍ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَدْ أَحَدَ اللَّهُ مِيثَاقَ شِيعَتِنَا مَعَنَا عَلَى وَ لَا يَتَيْنَا لَا يَزِيدُونَ وَ لَا يَنْقُضُونَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنْ طِينَةِ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَ خَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ طِينَةِ سَجِّينٍ وَ خَلَقَ أَوْلِيَاءَهُمْ مِنْ طِينَةِ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ.

۲۱. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۱۷:

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ زِيَادِ الْعَبْدِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عِيْسَى الْهَاشِمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَا وَ أَبِي عِيْسَى فَقَالَ لَهُ: أَمِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَلَّمَ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ فَقَالَ: أَيُّ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؟ فَقَالَ: مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهُ: أَيُّ مِنْ وُلْدِ أَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ: مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهُ: إِنِّي لَا أَعْرِفُهُ فَقَالَ: فَاعْرِفْهُ يَا عِيْسَى فَإِنَّهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَدَّهَبُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ طِينَتَنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ طِينَةَ شِيعَتِنَا مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَهُمْ مِنَّا وَ خَلَقَ طِينَةَ عَدُوَّنَا مِنْ سَجِّينٍ وَ خَلَقَ طِينَةَ شِيعَتِهِمْ مِنْ دُونَ ذَلِكَ وَ هُمْ مِنْهُمْ وَ سَلَّمَ خَيْرٌ مِنْ لُقْمَانَ.

۲۲. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۱۵:

وَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ هَيْثَمِ الرَّازِيِّ عَنْ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ الْعَبْدِيِّ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ علیه السلام فَقَالَ علیه السلام: يَا جَابِرُ خُلِقْنَا نَحْنُ وَ مُحِبِّينَا مِنْ طِينَةِ وَاحِدَةٍ بَيْضَاءَ نَقِيَّةٍ مِنْ أَعْلَى عَلِيِّينَ فَخُلِقْنَا نَحْنُ مِنْ أَعْلَاهَا وَ خُلِقَ مُحِبُّونَا مِنْ

ما و محبتین مان از يك طينت آفریده شده‌ایم، طينت سفید و پاك از اعلیٰ علیین، پس ما از قسمت برتر آن طينت خلق شدیم و محبتین ما از قسمت پائین تر آن خلق شدند.

بنابراین معلوم می‌شود حتی در روایاتی که بیان می‌فرماید طينت اهل بیت علیهم‌السلام و شیعه آنها یکی است، برای آن طينت، اعلیٰ و أسفل قائل است و به نصّ روایات متعدد، در خالص طينت اهل بیت علیهم‌السلام هیچ کس دیگر شریک نیست. و این روایات متعدد، مفسّر بعضی روایات است که به طور مطلق فرموده است «و جعل شیعتنا من طينتنا» کما اینکه وقتی گفته می‌شود شیعه ما در درجه ما هست یا با ما هست، به این معنا نیست که دقیقاً عین هم باشند، بلکه در همان درجه مراتبی دارند. مثل اینکه گفته می‌شود این افراد در یک صفّ هستند، ولی اوّل صفّ که أقرب به خداوند متعال می‌باشد، مسلماً برتر از آخر صفّ می‌باشد، هرچند همه در صفّ واحد باشند.

اگر دیگران هم می‌توانند عین رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام شوند بدون ذره‌ای کم یا زیاد، پس چرا در روایات متعدد که در میان آنها روایت صحیح هم بود و گذشت، آمده است: «لِرَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام فَضْلُهُمَا»؛ برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام فضل و برتری خاص خودشان حتی نسبت به سایر ائمه علیهم‌السلام است. آیا العیاذ بالله دیگران قابلیت بیشتری نسبت به ائمه علیهم‌السلام دارند؟!

### برتری مطلق، نتیجه طينت و عمل اهل بیت علیهم‌السلام

و اما از نظر منتهی و بعد از این عالم که نتیجه طينت و عمل است. ببینیم روایات چه فرموده است:

از امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است:

«...إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ يَوْمَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ الرَّسُلُ وَإِنَّ أَفْضَلَ الرَّسُلِ مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم...»<sup>۲۳</sup>

دُونَهَا فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ التَّفَّتِ الْعُلَيَّا بِالسُّفْلَى وَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ضَرَبْنَا بِأَيْدِينَا إِلَى حُجْرَةِ نَبِيِّنَا وَ ضَرَبَ أَشْيَاعُنَا بِأَيْدِيهِمْ إِلَى حُجْرَتِنَا فَأَيْنَ تَرَى يُضَيِّرُ اللَّهُ نَبِيَّهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ وَ أَيْنَ تَرَى يُضَيِّرُ ذُرِّيَّتَهُ مُجِيبَهَا فَضْرَبَ جَابِرٌ يَدَهُ عَلَى يَدِهِ فَقَالَ دَخَلْنَاهَا وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ تَلَانًا.

۲۳. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۵۰:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَزْوَرِيِّ الْعَنَوِيِّ عَنْ أَضْبَعِ بْنِ نُبَاتَةَ الْخَنْزَلِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام يَوْمَ انْتَحَتِ الْبُصْرَةَ وَ رَكِبَ بَعْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ الْخَلْقِ يَوْمَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَدَّثْنَا فَإِنَّكَ كُنْتَ تَشْهَدُ وَ نَغِيبُ فَقَالَ إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ يَوْمَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا يَنْكِرُ فَضْلَهُمْ إِلَّا كَافِرٌ وَ لَا يَجْعُدُ بِهِ إِلَّا جَاحِدٌ فَقَامَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَجَمَهُ اللَّهُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَمِعْتُ لَنَا لِنَعْرِفَهُمْ فَقَالَ إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ يَوْمَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ الرَّسُلُ وَ إِنَّ أَفْضَلَ الرَّسُلِ مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَ إِنَّ أَفْضَلَ كُلِّ أُمَّةٍ بَعْدَ نَبِيِّهَا وَصِيِّ نَبِيِّهَا حَتَّى يَدْرِكَهُ نَبِيُّ الْأَوَّلَا وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَوْصِيَاءِ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ الْأَوَّلَا وَ إِنَّ أَفْضَلَ الْخَلْقِ بَعْدَ الْأَوْصِيَاءِ الشُّهَدَاءُ الْأَوَّلَا وَ إِنَّ أَفْضَلَ الشُّهَدَاءِ - حَفْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لَهُ جَنَاحَانِ خَضِيْبَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ لَمْ يُنْحَلْ أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ جَنَاحَانِ غَيْرُهُ شَيْءٌ كَرَّمَ اللَّهُ بِهِ مُحَمَّدًا ص وَ سَرَفَهُ وَ السَّبْطَانَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْمَهْدِيَّ علیه‌السلام يَجْعَلُهُ اللَّهُ مِنْ شَاءٍ مِنْهَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ

همانا بهترین خلائق در روزی که خداوند آنها را جمع کند، پیامبران هستند و افضل پیامبران، محمد ﷺ است.

پس اگر دیگران بتوانند به مرتبه حضرت ﷺ برسند، دیگر حضرت بهترین خلائق نیست.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است:

«أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ...»<sup>۲۴</sup>

من اشرف فرزندان حضرت آدم در روز قیامت هستم و فخری نیست.

پس اگر دیگری نیز بتواند به مرتبه حضرت ﷺ برسد، دیگر حضرت سید و ولد آدم نمی باشد.

حضرت در جای دیگر می فرماید:

«... ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ

الْمَشْأَمَةِ. وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ وَأَنَا مِنَ السَّابِقِينَ وَأَنَا خَيْرُ السَّابِقِينَ»<sup>۲۵</sup>

و این قول خداوند عزوجل است که می فرماید: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ

الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ. وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» و من از سابقین هستم و من بهترین سابقین هستم.

و به خاطر همین امور است که امام رضا علیه السلام می فرماید:

و الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا. ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا.

۲۴. الأمايلي (للطوسي)، ص ۲۷۱:

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ مِدْرَارٍ الطَّنَافِيسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي طَاهِرُ بْنُ مِدْرَارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَمَّارٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا فَخْرَ، وَ أَنَا أَوْلُ مَنْ تَشْتَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ لَا فَخْرَ، وَ أَنَا أَوْلُ شَافِعٍ وَ أَوْلُ مُشَفِّعٍ.

۲۵. الأمايلي (للصدوق)، ص ۶۳۰:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوهِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي دَارِ السَّيِّدِ أَبِي مُحَمَّدٍ إِزْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْجَلُودِيُّ الْبُضْرِيُّ بِالْبُضْرَةِ سَنَةَ سَبْعٍ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْحَمَّانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي الرَّبِيعِ [الْحُسَيْنُ بْنُ الرَّبِيعِ] عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عُبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَسَمَ الْخَلْقَ قِسْمَيْنِ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهِمَا قِسْمًا وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذِكْرِ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ أَصْحَابِ الشَّمَالِ وَ أَنَا مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ أَنَا خَيْرُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُمَّ جَعَلَ الْقِسْمَيْنِ أَثْلَانًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهَا ثُلثًا وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ. وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ. وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ وَ أَنَا مِنَ السَّابِقِينَ وَ أَنَا خَيْرُ السَّابِقِينَ ثُمَّ جَعَلَ الْأَثْلَاتِ قِبَائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهَا قِبَلَةً وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قِبَائِلَ لِيَتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ فَأَنَا أَتْقَى وُلْدِ آدَمَ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ لَا فَخْرَ ثُمَّ جَعَلَ الْقِبَائِلَ بُيُوتًا فَجَعَلَنِي فِي خَيْرِهَا بَيْتًا وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

«..لَيْسَ أَحَدٌ بَعْدَنَا مِثْلَنَا؛ هَيْجَ كَسَى بَعْدَازِ مَا، مِثْلَ مَا نَيْسَتْ»<sup>۲۶</sup>

و امام صادق عليه السلام فرمود:

«... نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ؛ هَيْجَ كَسَى بِمَا أَهْلَ بَيْتِ قِيَاسِ نَمِي شُود»<sup>۲۷</sup>

و اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود:

«... لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا

«...»<sup>۲۸</sup>

هیچ کسی از این امت با آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیاس نمی شود و هیچ گاه کسانی که نعمت آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آنها جاری شده، با آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مساوی نخواهند بود.

و حضرت در جایی دیگر می فرمایند:

«إِنَّهُ لَا يُقَاسُ بِنَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ، وَلَا يُسَوَّى بِنَا مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُنَا عَلَيْهِمْ، نَحْنُ

۲۶. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶:

و بِإِسْنَادِهِ [حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ] عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَطْلَاعَةً فَاخْتَارَنِي ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ بَعْدِي فَجَعَلَكَ الْقِيَمَ بِأَمْرِ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي وَ لَيْسَ أَحَدٌ بَعْدَنَا مِثْلَنَا.

۲۷. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۲:

و فِي الْعِلَلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الشُّكْرِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيِّ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عَمْرَانَ عَنِ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَنْ أَبِي ذَرٍّ - أ هُوَ أَفْضَلُ أَمْ أَنْتُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ - فَقَالَ يَا ابْنَ صُهَيْبٍ كَمْ شَهْرُ السَّنَةِ فَقُلْتُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فَقَالَ وَ كَمْ الْحُرْمُ مِنْهَا قُلْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ قَالَ فَشَهْرُ رَمَضَانَ مِنْهَا قُلْتُ لَا قَالَ فَشَهْرُ رَمَضَانَ أَفْضَلُ أَمْ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ - فَقُلْتُ شَهْرُ رَمَضَانَ قَالَ فَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ الْحَدِيثَ.

✓ الإختصاص، ص ۱۲:

وَ عَنْهُ عَنِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْفَرَّاءِ عَنِ رَجُلٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَبِي ذَرٍّ مَا أَطَّلَعَ الْخَضْرَاءُ وَ مَا أَقَلَّتِ الْعَبْرَاءُ أَصْدَقَ لَهْجَةٍ مِنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ بَلَى قُلْتُ فَأَيُّنَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ فَقَالَ لِي: كَمْ فِيكُمْ السَّنَةُ شَهْرًا قُلْتُ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا قَالَ كَمْ مِنْهَا حَرَامٌ قُلْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ قَالَ شَهْرُ رَمَضَانَ مِنْهَا قُلْتُ لَا قَالَ إِنَّ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْعَمَلِ فِيهَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْبِ شَهْرِ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ.

۲۸. نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۴۷:

زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْعُرُورَ وَ حَضُّوا التُّبُورَ لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْبَيْتَيْنِ إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ النَّالِي وَ لَهُمْ حَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ الْآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ.

أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْرَاسًا، وَنَحْنُ أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَاسًا، وَنَحْنُ عِمَادُ الدِّينِ، بِنَا يَلْحَقُ النَّالِي، وَإِنِّبْنَا يَفِيءُ  
الْغَالِي، وَ لَنَا خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ...»<sup>۲۹</sup>

همانا با ما آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هیچ فردی از این امت قیاس نمی‌شود و مساوی نیست با ما، کسانی که نعمت ما بر آنها جریان یافته است، درخت فضائل ما از همه مردم بلندتر است و وجود ما از همه برتر است و ما ستون دین هستیم و عقب‌ماندگان باید به ما برسند و آنهایی که جلوتر رفته‌اند باید به سوی ما بازگردند و برای ماست خصوصیات ولایت و اختیار و آقائی ...

به قول فرزددق:

إِنْ عَدَّ أَهْلَ التَّقَى كَانُوا أَيْمَتَهُمْ      أَوْ قِيلَ مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيلَ هُمْ

اگر اهل تقوا را بشماری، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پیشوایان آنان می‌باشند. یا اگر گفته شود بهترین مردم روی زمین چه کسانی هستند، جواب گفته شود که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند.

و به قول شیخ کاظم ازری:

لَا تُجَلِّ فِي صِفَاتِ أَحْمَدَ فِكْرًا      فَهِيَ الصُّورَةُ الَّتِي لَنْ تَرَاهَا

فکرت را در صفات احمد جولان نده؛ زیرا همان صورتی است که هرگز آن را نخواهی دید.

در روایت ابی ذر عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

«...عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ مَكْتُوبٌ لَأِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ...»<sup>۳۰</sup>

۲۹. المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، ص ۳۹۹:

و قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضًا فِي خُطْبَةٍ [أُخْرَى]: هَلَكَ مَنْ قَارَنَ حَسَدًا، وَ قَالَ بَاطِلًا، وَ وَالِي عَلَى عِدَاوَتِنَا أَوْ شَكٍّ فِي فَضْلِنَا، إِنَّهُ لَا يُقَاسُ بِنَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ، وَ لَا يُسَوَّى بِنَا مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُنَا عَلَيْهِمْ، نَحْنُ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْرَاسًا، وَ نَحْنُ أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَاسًا، وَ نَحْنُ عِمَادُ الدِّينِ، بِنَا يَلْحَقُ النَّالِي، وَ إِنِّبْنَا يَفِيءُ الْغَالِي، وَ لَنَا خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ، وَ فِينَا الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ، وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فِي حِجَّةِ الْوُدَاعِ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ، وَ بَدْيِ الْحُلَيْفَةِ، وَ بَعْدَهُ الْمَقَامَ الثَّلَاثَ بِأَحْجَارِ الرَّيْتِ، تِلْكَ فَرَائِضُ صَيِّغَتُمْوهَا، وَ حُرْمَاتُ انْتَهَكْتُمْوهَا، وَ لَوْ سَلَّمْتُمْ الْأَمْرَ لِأَهْلِهِ، وَ لَوْ أَبْصَرْتُمْ بَابَ الْهُدَى رُشِدْتُمْ.

۳۰. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص ۳۶۴:

إِرْسَادُ الْقُلُوبِ، عَنْ أَبِي ذَرِّ الْعِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: افْتَحَرَ إِسْرَافِيلُ عَلَى جَبْرَائِيلَ فَقَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْكَ قَالَ وَ لِمَ أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي قَالَ لِأَنِّي صَاحِبُ التَّمَانِيَةِ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ أَنَا صَاحِبُ التَّفَخَةِ فِي الصُّورِ وَ أَنَا أَقْرَبُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى قَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا خَيْرٌ مِنْكَ فَقَالَ بِمَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي قَالَ لِأَنِّي أَمِينُ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ أَنَا رَسُولُهُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا صَاحِبُ الْكُشُوفِ وَ [الْكُشُوفِ] الْقُدُوفِ وَ مَا أَهْلَكَ اللَّهُ أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا عَلَى يَدَيَّ فَاحْتَصَمًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَأَوْحَى إِلَيْهِمَا اسْكُنَا فَوْعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَقَدْ خَلَقْتُ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْكُمَا قَالَا يَا رَبِّ أَوْ تَخْلُقْ خَيْرًا مِنَّا وَ نَحْنُ خُلُقْنَا مِنْ نُورِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى نَعَمْ وَ أَوْحَى إِلَى حُجْبِ الْقُدْرَةِ انْكَشِفِي فَإِنِ انْكَشَفَتْ فَإِذَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ مَكْتُوبٌ لَا

بر ساق راست عرش مکتوب است: هیچ معبودی بجز خدا نیست و محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین بهترین خلق خدا هستند.

و در روایت امام صادق علیه السلام است:

« ..كَانَ وَاللَّهِ سَيِّدَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ وَمَا بَرَأَ اللَّهُ بَرِيَّةً خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .. »<sup>۳۱</sup>

به خدا قسم محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشرف خلایق بود و خداوند هیچ وجودی بهتر از وجود محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیافریده است.

و نیز عن ابی الحسن الاول علیه السلام:

مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا خَلَقَ خَلْقًا بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مِنْ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛<sup>۳۲</sup>

خداوند مخلوقی افضل از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیافریده است و بعد از ایشان افضل از علی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خلق نفرموده است. و درباره فاطمه زهرا علیها السلام آمده است:

لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهْرُ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ؛<sup>۳۳</sup>

اگر خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، در روی زمین، از آدم گرفته تا هر بشری بعد از او، همسر و همتایی برای ایشان نبود.

پس معلوم می شود فاطمه زهرا علیها السلام بعد از پدر و شوهر، افضل از همه انسانها می باشد؛ کما اینکه روایت قطعی منقول توسط شیعه و سنی که بیان می کند:

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ إِلَّا جَعَلْتَنِي حَادِمَهُمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ جَعَلْتُ جِبْرَائِيلَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ إِنَّهُ لِحَادِمُنَا.

۳۱. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۴۰:

مُحَمَّدٌ بِنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْيَى حَمَادِ الْكَاتِبِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ أَدَمَ فَقَالَ كَانَ وَاللَّهِ سَيِّدَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ وَمَا بَرَأَ اللَّهُ بَرِيَّةً خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۳۲. الإختصاص (شيخ مفيد)، ص ۱۸:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدِ السَّائِي عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَ وَلَا خَلَقَ خَلْقًا بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مِنْ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۳۳. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۶۱:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْخَبَرِيِّ عَنِ يُونُسَ بْنِ زَيْبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِفَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهْرُ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ.

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ فَاطِمَةُ عليها السلام سرور تمام زنان جهانیان است»<sup>٣٤</sup>

و نیز:

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ؛ فَاطِمَةُ عليها السلام سرور تمام زنان جهانیان از ابتدا تا

انتهاست»<sup>٣٥</sup>

٣٤. من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٢٠٤:

وَ رَوَى الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبُضْرِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ خَلِيفَتِي وَ زَوْجَتُهُ - فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ابْنَتِي وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كَذَلِكَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانِي وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي وَ مَنْ نَاوَاهُمْ فَقَدْ نَاوَأَنِي وَ مَنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ بَرَّاهُمْ فَقَدْ بَرَّرَنِي وَ صَلَّى اللَّهُ مِنْ وَصْلِهِمْ وَ قَطَعَ اللَّهُ مِنْ قَطْعِهِمْ وَ نَصَرَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَهُمْ وَ خَدَلَ مَنْ خَدَلَهُمْ - اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ تَقَلُّ وَ أَهْلُ بَيْتِ فَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ أَهْلُ بَيْتِي وَ تَقَلِّي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

✓ سنن الكبرى للنسائي، ج ٦، ص ٣٨٠؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ٣، ص ٥:

أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، عَنْ فِرَاسٍ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ مَشْرُوقٍ، قَالَ: أَخْبَرْتَنِي عَائِشَةُ قَالَتْ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جَمِيعًا مَا تُعَادِرُ مِنَّا وَاحِدَةً فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ، تَمْشِي وَلَا وَاللهُ أَنْ تُحْطَى مَشِيئَتُهَا مَشِيئَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى انْتَهَتْ إِلَيْهِ فَقَالَ: «مَرْحَبًا بِابْنَتِي» فَأَقْعَدَهَا، عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ سَارَهَا بِشَيْءٍ فَبَكَتْ بَكَاءً شَدِيدًا ثُمَّ سَارَهَا بِشَيْءٍ فَضَحِكَتْ فَلَمَّا قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُلْتُ لَهَا: "حَضَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْنِنَا بِالسَّرَارِ، وَأَنْتِ تَبْكِينَ، أَخْبَرَنِي مَا قَالَ لَكَ، قَالَتْ: مَا كُنْتُ لِأُفْشِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِرَّهُ، فَلَمَّا تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُلْتُ لَهَا: أَسْأَلُكَ بِالَّذِي لِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، مَا سَارَكَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَتْ: أَمَا الْآنَ فَتَعَمَّ سَارَنِي الْمَرَّةَ الْأُولَى فَقَالَ: «إِنَّ جَبْرِيْلَ كَانَ يُعَارِضُنِي بِالْقُرْآنِ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً، وَإِنَّهُ عَارِضُنِي بِهَذَا مَرَّتَيْنِ وَلَا أَرَى الْأَجَلَ إِلَّا قَدْ أَقْتَرَبَ فَاتَّقِي اللَّهَ وَاصْبِرِي» فَبَكَتُ، ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا فَاطِمَةُ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنَّكَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، أَوْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» فَضَحِكْتُ.

٣٥. معاني الأخبار، باب معنى ما روي في فاطمة عليها السلام أنها سيدة نساء العالمين، ص ١٠٧:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي فَاطِمَةَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَلَيْسَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِيهَا فَقَالَ ذَلِكَ لِمَرْبَمٍ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِيهَا وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

✓ الأُمالي (الصدوق)، ص ٢٦:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أُرْسِدُنِي إِلَى التَّجَارَةِ فَقَالَ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِذَا احْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَ تَفَرَّقَتِ الْأَرَءُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُمَيِّرُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ مَنْ سَأَلَهُ أَجَابَهُ وَ مَنْ اسْتَشْرَفَهُ أُرْسَدَهُ وَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِهِ وَجَدَهُ وَ مَنْ التَّمَسَّ الْهُدَى لَدَيْهِ صَادَفَهُ وَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ أَمِنَهُ وَ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ نَجَّاهُ وَ مَنْ افْتَدَى بِهِ هَدَّاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ سَلِمَ مَنْ سَلِمَ لَهُ وَ وَالَاهُ وَ هَلَكَ مَنْ رَدَّ عَلَيْهِ وَ عَادَاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِنَّ سَمُرَةَ إِنْ عَلِيًّا مِنِّي رُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَ طِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَ هُوَ أَخِي وَ أَنَا أُخُوهُ وَ هُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ ابْنَتِيهِ إِمَامَتِي وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ ع تَابِعَهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.



حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَائِقُ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللهِ الكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ التُّوفَلِيِّ عَنِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ أَقْبَلَ الحَسَنُ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَمَا زَالَ يَدِينِي حَتَّى أَجْلِسَهُ عَلَيَّ فَخَذَهُ اليُمْنَى ثُمَّ أَقْبَلَ الحُسَيْنَ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَمَا زَالَ يَدِينِي حَتَّى أَجْلِسَهُ عَلَيَّ فَخَذَهُ اليُسْرَى ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا بَنِيَّةُ فَأَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ يَا أَخِي فَمَا زَالَ يَدِينِي حَتَّى أَجْلِسَهُ إِلَى جَنْبِهِ الْأَيْمَنِ فَقَالَ لَهُ أَضْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللهِ مَا تَرَى وَاحِدًا مِنْ هَؤُلَاءِ إِلَّا بَكَبَتْ أَوْ مَا فِيهِمْ مَنْ تُسْرُ بِرُؤْيَيْهِ فَقَالَ ﷺ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَاضْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ إِنِّي وَإِيَاهُمْ لِأَكْرَمِ الخَلْقِ عَلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ نَسَمَةٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُمْ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَإِنَّهُ أَخِي وَ شَقِيقِي وَ صَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدِي وَ صَاحِبُ لُؤَائِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ صَاحِبُ حَوْضِي وَ شَفَاعَتِي وَ هُوَ مُؤَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ إِمَامُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ قَائِدُ كُلِّ تَقِيٍّ وَ هُوَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي مُجِبُّهُ مُجِيبِي وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَ بَوْلَايَتِهِ صَارَتْ أُمَّتِي مَرْحُومَةً وَ بَعْدَاوَتِهِ صَارَتْ الْمُخَالَفَةَ لَهُ مِنْهَا مُلْعُونَةٌ وَ إِنِّي بَكَبْتُ حِينَ أَقْبَلْتُ لِأَنِّي ذَكَرْتُ عَدْرَ الْأُمَّةِ بِهٖ بَعْدِي حَتَّى إِنَّهُ لَيُرَالُ عَنْ مَفْعَدِي وَ قَدْ جَعَلَهُ اللهُ لَهُ بَعْدِي ثُمَّ لَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهٖ حَتَّى يُضْرَبَ عَلَى قَوْلِهِ ضَرْبَةً تُخَضَّبُ مِنْهَا لِحْيَتُهُ فِي أَفْضَلِ الشُّهُورِ - شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَانْتَهَى سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَنِينِي وَ هِيَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَهَبًا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهَا مِنْ خِيفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِي عَلَى عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ أَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُضْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا وَ انْتَهَكَتْ حُرْمَتَهَا وَ غَضِبَتْ حَقَّهَا وَ مُنِعَتْ إِزْنَهَا وَ كَسِرَتْ جَنْبُهَا [وَ كَسِرَتْ جَنْبُهَا] وَ أَشَقَطَتْ جَنِينَهَا وَ هِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَعِيثُ فَلَا تُعَاثُ فَلَا تَرَالُ بَعْدِي مَحْرُومَةٌ مَكْرُوبَةٌ بَاكِيَةٌ تَتَذَكَّرُ انْقِطَاعَ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا مَرَّةً وَ تَتَذَكَّرُ فِرَاقِي الْآخَرَى وَ تَسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّتْ اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْمَعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤْنِسُهَا اللهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَتَادِيهَا بِمَا نَادَتْ بِهٖ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللهُ اضْطَفَاكَ وَ ظَهَرَكَ وَ اضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَفْتِنِي لِرَبِّكَ وَ اشْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّكْعِينَ ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِهَا الْوَجْعَ فَتَمْرَضُ فَيَبْعَثُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ تَمْرَضُهَا وَ تُؤْنِسُهَا فِي عِلَّتِهَا فَتَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ سَمِعْتُ الْحَيَاةَ وَ تَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْيَا فَالْحَقْنِي بِأَبِي فَيَلْحَقُهَا اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِبِي فَتَكُونُ أُولَى مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدُمُ عَلَيَّ مَحْرُومَةٌ مَكْرُوبَةٌ مَغْضُوبَةٌ مَقْتُولَةٌ فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنُ مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقَبَ مَنْ غَضِبَهَا وَ ذَلَّلَ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلَّدَ فِي نَارِكَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَ لَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ آمِينَ.

✓ كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٥٦:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّوَيْهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ الكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الجُعْفِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَنِ الْمُجَادِلُونَ فِي دِينِ اللهِ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ مَنْ جَادَلَ فِي آيَاتِ اللهِ فَقَدْ كَفَرَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْفِرُكَ تَقَالِبُهُمْ فِي الْبِلَادِ وَ مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللهِ الكَذِبَ وَ مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَمُرَةَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ أُرْسِدُنِي إِلَى النَّجَاةِ فَقَالَ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَ تَفَرَّقَتِ الْآرَاءُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ مَنْ سَأَلَهُ أَجَابَهُ وَ مَنْ اسْتَشْرَفَهُ أُرْسِدَهُ وَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ عِنْدَهُ وَجَدَهُ وَ مَنْ التَّمَسَّ الْهُدَى لَدَيْهِ صَادَفَهُ وَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ آمَنَهُ وَ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهٖ نَجَاهُ وَ مَنْ افْتَدَى بِهٖ هَدَاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ سَلِمَ مِنْكُمْ مَنْ سَلِمَ لَهُ وَ وَالَاهُ وَ هَلَكَ مَنْ رَدَّ عَلَيْهِ وَ عَادَاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي رُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَ طِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَ هُوَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوهُ وَ هُوَ رُوحُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّ مِنْهُ إِمَامِي أُمَّتِي وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الحُسَيْنِ وَ تِسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا.

حداقل دلالت دارد هر بانویی در هر مرتبه‌ای باشد، حضرت زهرا علیها السلام بر او سیده است، در حالی که اگر در رتبه حضرت قرار می‌گرفت، دیگر او هم سیده می‌شد و حضرت زهرا علیها السلام «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» نبودند، در حالی که «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» بودن حضرت از مسلمات است.

و نیز:

... عَلِيٌّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِهِمْ، عَلِيُّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي دَرَجَتِهِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ [بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ] فَفَاطِمَةُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي دَرَجَتِهِ وَعَلِيُّ مَعَهُمَا؛<sup>۳۶</sup>

علی علیه السلام از اهل بیت است و با آنان قابل قیاس نیست. علی علیه السلام قرین رسول الله صلی الله علیه و آله و در درجه ایشان است. خداوند متعال می‌فرماید: کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان [ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم] پس فاطمه علیها السلام همراه رسول الله و در درجه ایشان است و علی علیه السلام هم با آنهاست.

و نیز:

.. يَا عَائِشَةُ إِنَّ ابْنَتِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِنْ بَعَلَهَا لَا يُقَاسُ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَإِنْ وَلَدِيهِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَانَتَايَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا عَائِشَةُ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَابْنُ عَمِّي عَلِيُّ فِي غُرْفَةٍ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ ...؛<sup>۳۷</sup>

۳۶. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۲۷۰:

۹۰۴- أَبُو النَّضْرِ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعِيَّاشِيُّ فِي كِتَابِهِ، [قَالَ:] حَدَّثَنَا الْفَتْحُ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ، حَدَّثَنَا أَبُو نَضْرٍ فَتْحُ بْنُ عَمْرِو التَّمِيمِيُّ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ، عَنْ عَمِّهِ قَالَ: قَالَ ابْنُ عُمَرَ إِنَّا إِذَا عَدَدْنَا قُلْنَا: أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ، وَ عُثْمَانُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا [أ] بَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ فَعَلَيْ قَالَ: ابْنُ عُمَرَ: وَبِحَاكِ عَلِيٍّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِهِمْ، عَلِيُّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي دَرَجَتِهِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ فَفَاطِمَةُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي دَرَجَتِهِ وَعَلِيُّ مَعَهُمَا.

۳۷. الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۱۶۹:

و بِالْإِسْنَادِ يَرْفَعُهُ إِلَى عَائِشَةَ أَنَّهُ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَذَكَرَ عَلِيًّا فَقَالَ يَا عَائِشَةُ لِمَ يَكُنُّ قَطُّ فِي الدُّنْيَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ وَأَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُ وَمِنْ زَوْجَتَيْهِ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَمِنْ وَلَدِيهِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ علیهما السلام يَا عَائِشَةُ تَعْلَمِينَ أَيَّ شَيْءٍ رَأَيْتُ لَابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ لِبَعْلِهَا قَالَتْ لَا فَأَحْبَبَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَا عَائِشَةُ إِنَّ ابْنَتِي سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِنْ بَعَلَهَا لَا يُقَاسُ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَإِنْ وَلَدِيهِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَانَتَايَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا عَائِشَةُ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَابْنُ عَمِّي عَلِيُّ فِي غُرْفَةٍ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ أَسَاسُهَا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَطْرَافُهَا مِنْ عَفْوِ اللَّهِ تَعَالَى وَ رِضْوَانِهِ وَ هِيَ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى وَ بَيْنَ عَلِيٍّ وَ بَيْنَ نُورِ اللَّهِ بَابٌ يَنْظُرُ إِلَى اللَّهِ وَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ عَلِيُّ رَأْسِهِ تَاجٌ قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ مَا بَيْنَ

ای عایشه، همانا دخترم سرور زنان جهانیان است و همسرش با هیچ‌یک از مردم قابل قیاس نیست و دو پسرش، حسن و حسین علیهما السلام دو گل خوشبوی من در دنیا و آخرت هستند. ای عایشه، من و فاطمه و حسن و حسین و پسر عمویم علی در منزلگاهی از دره سفید جای داریم ...

و از فرمایشات سرور شهیدان امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا به زینب کبری علیها السلام این بود:

«...أَبِي خَيْرٌ مِنِّي وَ أُمِّي خَيْرٌ مِنِّي وَ أَخِي خَيْرٌ مِنِّي...»<sup>۳۸</sup>

پدرم (امیرالمؤمنین علیه السلام) بهتر از من است و مادرم (فاطمه زهرا علیها السلام) بهتر از من است و برادرم (امام حسن مجتبی علیه السلام) بهتر از من است ...

### غیر قابل دسترس بودن مقام فاطمه زهرا علیها السلام با اینکه نه پیامبر بودند و نه امام

آیا فاطمه زهرا علیها السلام پیامبر است یا امام؟! اگر بانوی دیگری بتواند به مقام حضرتش برسد، چگونه فاطمه زهرا علیها السلام «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ» باشد؟! و حتی اگر مردی به درجه حضرت زهرا برسد، چگونه روایت می‌فرمود آدم و هر کسی که بعد از آدم است، شایسته همطرازی حضرت را ندارند؟! و چگونه هیچ‌کس نمی‌تواند با اهل بیت علیهم السلام و از جمله فاطمه زهرا علیها السلام قابل مقایسه باشد و با این حال کسی مدعی شود که دیگران هم می‌توانند عیناً به مرتبه رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برسند؟! و چگونه همه آفرینش طفیل رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از جمله فاطمه زهرا علیها السلام است و باز گفته شود دیگری هم می‌تواند بدون کم و کاست عیناً در رتبه اهل بیت علیهم السلام باشد؟! و همان‌طور که قبلاً گفته شد، اینکه شیعه در درجه ائمه علیهم السلام می‌باشد و با آنها خواهد بود؛ یعنی نسبت به درجات دیگر، و گرنه در همین درجه مراتبی وجود دارد، چنان‌که در آیات و روایات ملاحظه کردید.

اصلاً هر یک از انبیاء و اولیاء که به منزلتی می‌رسند به برکت اهل بیت علیهم السلام است. آن وقت چگونه کسانی که منشأ افاضه و جریان نعمت می‌باشند، با کسانی که دریافت نعمت کرده‌اند عیناً و بدون هیچ تفاوتی در یک رتبه باشند؟! آیا این قابل پذیرش است؟ به لزوم فرق بین تابع و متبوع، در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده بود.

---

المُشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هُوَ يَزُفُلُ فِي حُلَّتَيْنِ حَمْرَاوَيْنِ يَا عَائِشَةُ خُلِقَتْ ذُرِّيَّةٌ مَحَبَّبِينَ مِنْ طِينَةِ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ خُلِقَتْ ذُرِّيَّةٌ مُبْغِضِينَ مِنْ طِينَةِ الْحَبَالِ وَ هِيَ فِي جَهَنَّمَ

۳۸. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۹۴:

... فَقَامَ إِلَيْهَا الْحُسَيْنُ علیه السلام فَصَبَّ عَلَى وَجْهِهَا الْمَاءَ وَ قَالَ لَهَا يَا أُخْتَاهُ اتَّقِي اللَّهَ وَ تَعَزِّي بِعَزَائِهِ اللَّهُ وَ اعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يُمُوتُونَ وَ أَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَمُوتُونَ وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ وَ يَعُودُونَ وَ هُوَ فَرْدٌ وَحْدَهُ أَبِي خَيْرٌ مِنِّي وَ أُمِّي خَيْرٌ مِنِّي وَ أَخِي خَيْرٌ مِنِّي وَ لِي وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَسْوَةٌ فَعَزَّاهَا بِهَذَا وَ نَحْوِهِ....

## پیامبران الهی صلوات الله عليهم بواسطة قابلیت ذات و عمل، برگزیده شدند

این چه سخنی است که غیر از مقام نبوت و رسالت، بقیه‌اش را می‌توانی عین رسول الله ﷺ بشوی؟! اساساً مقام نبوت و رسالت به پیامبران داده شد چون در مقام ذات و عمل، قابلیت آن را داشتند و آن قابلیت مخصوص اهلش می‌باشد و مقام ذات و عمل پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت اطهار علیهم السلام غیر قابل دسترسی برای دیگران است، چنان‌که در روایات گذشته به روشنی و صراحت ملاحظه کردید.

و باز هم بشنوید:

در دعای معروف به علقمه می‌خوانیم:

...أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ  
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ... أَقْسِمُ وَ أَغْزِمُ عَلَيْكَ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَ بِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَ  
بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ وَ بِهِ  
أَبْنَتَهُمْ وَ أَبْنَتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُم فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا ...

از تو می‌خواهم به حق محمد ﷺ خاتم پیامبران و علی امیرالمؤمنین علیهم السلام و به حق فاطمه علیها السلام دختر پیامبر و به حق حسن و حسین علیهم السلام .... تو را قسم و سوگند می‌دهم و به شأنی که برای آنان است نزد تو و به قدری که برای آنان است نزد تو و به چیزی که آنان را بر جهانیان برتری دادی و به اسم خودت که نزد ایشان قرار دادی و ایشان را مخصوص به این اسم گردانیدی و به آن اسم ایشان را آشکار کردی و فضل ایشان از فضل عالمیان را آشکار کردی تا آنجا که فضل ایشان برتر از فضل همه عالمیان شد.

و از سلمان فارسی آمده است:

... أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَ أَفْضَلَهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ وَ أَخُوهُ عَلِيُّ وَ مِنْ بَعْدِهِ الْأَيْمَةُ الَّذِينَ

هُمُ الْوَسَائِلُ إِلَى اللَّهِ؛<sup>۳۹</sup>

آگاه باشید و بدانید که با کرامت‌ترین و برترین خلق نزد من، محمد و برادرش علی و پس از آن ائمه

۳۹. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۱:

أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدًا ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يَا عِبَادِي أَوْ لَيْسَ مِنْ لِي إِلكُمْ  
خَوَائِجُ كِبَارٍ لَا تَجُودُونَ بِهَا إِلَّا أَنْ يَتَّخَمَلَ عَلَيْكُمْ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ تَفْضُوتُهَا كَرَامَةٌ لِشَفِيعِهِمْ أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَ أَفْضَلَهُمْ لَدَيَّ  
مُحَمَّدٌ وَ أَخُوهُ عَلِيُّ وَ مِنْ بَعْدِهِ الْأَيْمَةُ - الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ إِلَى اللَّهِ فَلْيَدْعُنِي مَنْ هَمَّتْهُ حَاجَةٌ يُرِيدُ نَفْعَهَا أَوْ دَهَمَتْهُ ذَاهِيَةٌ يُرِيدُ كَشْفَ ضُرِّهَا بِمُحَمَّدٍ وَ  
إِلَيْهِ الطَّبِيبِينَ الطَّاهِرِينَ أَفْضَلُهَا لَهُ أَحْسَنَ مَا يَقْضِيهَا مَنْ (تَشْتَشْفَعُونَ لَهُ) بِأَعَزِّ الْخَلْقِ إِلَيْهِ.  
وَ رَوَاهُ الْعُسْكُرِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ مِنْهُ.

هستند که وسیله تقرب به من می‌باشند.

و در زیارت حضرت رسول الله ﷺ می‌خوانیم:

... فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ  
حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُكَ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعٌ ... ؛<sup>۴۰</sup>

... خدا تو را به شریف‌ترین جایگاه گرامیان و برترین منازل مقربان، و رفیع‌ترین درجات فرستادگان رسانده است، چنان‌که هیچ پیروی کننده‌ای به آن نرسد و هیچ بالا رونده‌ای به آن راه نیابد و سبقت گیرنده‌ای از آن پیشی نجوید و طمع کننده‌ای در یافتن مرتبه تو طمع نوزد.

و در زیارت جامعه نسبت به همه ائمه عليهم السلام همین معنا را می‌خوانیم:

... فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ  
حَيْثُ لَا يَلْحَقُّهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ ... آتَاكُمْ اللَّهُ مَا  
لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ... ؛<sup>۴۱</sup>

... خدا شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامیان و برترین منازل مقربان، و رفیع‌ترین درجات فرستادگان رسانده است، چنان‌که هیچ پیروی کننده‌ای به آن نرسد و هیچ بالا رونده‌ای به آن راه نیابد و سبقت گیرنده‌ای از آن پیشی نجوید و طمع کننده‌ای در یافتن آن طمع نوزد... خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده است.

## لزوم درخواست همه خیر دنیا و آخرت در امور ممکن

و اما اینکه ما جمیع خیر دنیا و الآخرة را از پروردگار عالم طلب می‌کنیم و یا از خداوند متعال

۴۰. إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۶۰۵

۴۱. تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص ۹۸

... أشهد أن هذا سابق لكم فيما مضى و جار لكم فيما بقي و أن أرواحكم و نوركم و طينتكُم واحدة طابت و ظهرت بعضها من بعض خلقكم الله أنواراً فجعلكم بعرضه مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ إِذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُدَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ فَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَا يَتَيْكُمْ طَبِيباً لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ بَرَكَاتٍ لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَ مَعْرُوفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُّهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صَدِيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا ذَنْبِيٌّ وَ لَا فَاحِشٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَ عَظَمَ حَطَرِكُمْ وَ كَبَّرَ شَأْنَكُمْ وَ تَمَامَ نُورِكُمْ وَ صَدَقَ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ حَاضَتِكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ ... آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَائِعًا كُلَّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ.

می‌خواهیم ما را داخل در هر خیری کند که محمد و آل محمد علیهم‌السلام را داخل در آن کرده است، دلیل نمی‌شود که ما می‌توانیم دقیقاً به مقام حضرت رسول الله و اهل بیت او صلوات الله علیهم اجمعین برسیم؛ زیرا خیر دنیا و آخرت دارای مراتب است و همه انواع و مراتب ممکن آن را می‌خواهیم و اما مراتب عالیۀ آن را که مختص به ذوات نورانی اهل بیت عصمت و طهارت است، برای ما دست نیافتنی است و تمنای چنان منزلتی به طور عموم و خصوص مورد نهی قرار گرفته است. به حسب روایت منقول از امام صادق علیه‌السلام، خداوند متعال به آدم و حوا فرمود:

«إِيَّاكُمْ أَنْ ... تَتَمَنَّىٰ مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي؛ بپرهیزید از اینکه تمنای منزلت اهل بیت نزد من را

بنمایید»<sup>۴۲</sup>

و اگر کسی به مرحله ادعای منزلت اهل بیت علیهم‌السلام برسد، ببینید روایت درباره او چه می‌فرماید:

۴۲. معانی الاخبار، ص ۱۰۸:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفِي عَامٍ فَجَعَلَ أَغْلَاهَا وَ أَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ ص فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَغَشِيَهَا نُورُهُمْ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْسَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ هَؤُلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أُوْلِيَّائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَ أَيْمَةُ بَرِيَّتِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي فَمَنْ ادَّعَى مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَابًا لَا أَعْدَبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْ نَارِي وَ مَنْ أَقْرَبَ بَوْلَانِيهِمْ وَ لَمْ يَدْرِعْ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانَهُمْ مِنْ عَظْمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ عِنْدِي وَ أَبْخَشْتُهُمْ كِرَامَتِي وَ أَحَلَلْتُهُمْ جَوَارِي - وَ شَفَعْتُهُمْ فِي الْمَدِينِينَ مِنْ عِبَادِي وَ إِمَائِي فَوَلَّيْتُهُمْ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِي فَأَبُكُم بِأَتْقَالِهَا وَ يَدْعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَتِي فَأَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْ ادِّعَاءِ مَنْزِلَتِهَا وَ تَمَنَّى مَحَلَّهَا مِنْ عَظْمَةِ رَبِّهَا - فَلَمَّا أَسْكَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ قَالَ لَهُمَا - كَلَا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْنِي شَجَرَةَ الْجَنَّةِ فَقَالَا يَا رَبَّنَا لِمَنْ هَذِهِ الْمَنْزِلَةُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ اذْفَعَا رُءُوسَكُمَا إِلَى سَاقِ عَرْشِي فَزَفَعَا رُءُوسَهُمَا فَوَجَدَا اسْمَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَيْمَةَ بَعْدَهُمْ ص مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَا يَا رَبَّنَا مَا أَكْرَمَ أَهْلَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةِ عَلَيْكَ وَ مَا أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ مَا أَشْرَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ هَؤُلَاءِ حَزَنَةٌ عَلَيَّ وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّىٰ مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عِضْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ قَالَا رَبَّنَا وَ مِنَ الظَّالِمُونَ قَالَ الْمُدْعُونَ لِمَنْزِلَتِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ قَالَا رَبَّنَا فَأَرْنَا مَنَازِلَ ظَالِمِيهِمْ فِي نَارِكَ حَتَّىٰ نَرَاهَا كَمَا رَأَيْنَا مَنْزِلَتَهُمْ فِي جَنَّتِكَ فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّارَ فَأَبْرَزَتْ جَمِيعَ مَا فِيهَا مِنَ الْأَلْوَانِ التَّكَالِ وَ الْعَذَابِ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ مَكَانَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ الْمُدْعَعِينَ لِمَنْزِلَتِهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْهَا كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ كُلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلُوا سِوَاهَا لِيُدْفَقُوا الْعَذَابَ - يَا آدَمُ وَ يَا حَوَاءَ لَا تَنْظُرَا إِلَى أَنْوَارِي وَ حُجَجِي بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَاهْبِطْكُمَا عَنْ جَوَارِي وَ أَجِلْ بِكُمْ هَوَانِي ...

و در مورد سلیمان نبی علی نبیتنا و آله و علیه السلام در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام (ص ۵۹۲) نیز آمده است:

... إِيَّاكَ أَنْ تَفْتَحَ عَلَى دَرَجَةِ مُحَمَّدٍ وَ فَضْلِهِ وَ جَلَالِهِ ...

«فَمَنْ ادَّعَىٰ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ؛ پس

هر کس ادعای منزلت آنان و جایگاهشان از عظمت من بکند، چنین مدعیان را چنان عذابی می‌کنم که

هیچ کس از عالمیان را چنین عذابی نمی‌کنم»

درخواست مقام خاص اهل بیت علیهم‌السلام از درگاه خداوند متعال درست مثل این است که ما از درگاه خداوند بخواهیم ما را پیامبر قرار دهد، چنین چیزی خلاف مشیت حتمیه پروردگار عالم است و هرگز داخل طلب جمیع خیر الدنیا و الآخرة و نظیر آن نمی‌تواند باشد.

از درگاه خداوند متعال می‌خواهیم که این مختصر را برای هدایت کافی قرار دهد، و هرچند مطالب در این زمینه فراوان است، ولی این مقدار برای تنبّه و بصیرت اهل انصاف وافی است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا.

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَمِتْنِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. آمين يا رب العالمين.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

گروه پژوهش معارف